

## قطعه‌نامه در مورد اوضاع جهان سرمایه‌داری

- ۱- نظام سرمایه‌داری جهانی در نخستین سال‌های قرن بیست و یکم، ورشکستگی خود را بارز تر از هر زمان دیگر به نمایش گذاشته است. سرپای این نظام با بحران و بن بست روبه‌رو است.
- ۲- اقتصاد مهم‌ترین کشورهای جهان سرمایه‌داری با رکود مداوم روبه‌رو است و بحران اقتصادی مزمنی که در طول سه دهه گذشته اقتصاد جهانی را فرا گرفته است، دامن‌آفرین می‌شود.
- روند نزولی شاخص‌های رشد اقتصادی، به مرحله‌ای رسیده است که مراحل رونق در سیکل اقتصادی به یک لحظه زودگذر تبدیل شده است. شاخص‌های تولید ناخالص داخلی در اتحادیه اروپا در طول ۵ سال گذشته همواره سیر نزولی داشته و در بهترین شرایط از ۲ درصد نیز تجاوز نکرده است. آلمان به عنوان مهم‌ترین قدرت اقتصادی اروپا با شاخص‌های منفی مطلق، تا منهای ۲ درصد روبرو بوده است. در ایالات متحده نیز به رغم رونق صنایع مرتبط با ماشین جنگی، این شاخص‌ها در محدوده ۲ و ۳ درصد بوده است.
- به استثنای چین که با یک بازار گسترده و سرمایه‌گذاری‌های کلان، یک دوره رونق اقتصادی را طی می‌کند و محدود کشورهای درجه دوم، سراسر جهان سرمایه‌داری در چنگال این بحران گرفتاراند.
- ۳- این بحران ژرف و مزمن، بیانگر تشدید فوق‌العاده تضادهای ذاتی شیوه تولید سرمایه‌داری در مرحله انحصار و موانع غیر قابل عبوری است که این شیوه تولید بر سر راه خود قرار داده است.
- ۴- بورژوازی جهانی در طول دو دهه گذشته تلاش نموده است با اتخاذ و پیشبرد سیاست موسوم به نئولیبرالیسم اقتصادی، گسترش جهانی سازی و انتقال تمام بار بحران بر دوش طبقه کارگر جهان، این معضل را حل کند. اما بحران همچنان لاینحل باقی مانده و عمیق‌تر شده است.
- ۵- در نتیجه این بحران و سیاست‌های اقتصادی بورژوازی بین‌المللی، وضعیت مادی و معیشتی طبقه کارگر و توده‌های فقیر زحمتکش جهان، فوق‌العاده به وخامت گراییده است. سطح معیشت کارگران در قیاس با سه دهه پیش تنزل فاحشی کرده است. هم‌اکنون، صدها میلیون کارگر با بیکاری و گرسنگی روبه‌رو هستند و تعداد انسان‌های فقیر حتی به حسب معیارهای بورژوازی ارگان‌های سازمان ملل از ۵۵۰ میلیون نیز تجاوز کرده است.
- ۶- در عرصه سیاسی نیز جهان سرمایه‌داری با بحران‌های فزاینده روبه‌رو است. گرایش روزافزون بورژوازی جهانی به ارتجاع سیاسی که یکی از وجوه مشخصه اوضاع سیاسی جهان در شرایط کنونی است، خود، انعکاس بحران‌ها و بن‌بست نظام سرمایه‌داری و بورژوازی جهانی است. محدود شدن روزافزون آزادی‌های سیاسی، حقوق دموکراتیک و مدنی مردم حتی در دموکراسی‌های پارلمانی اروپایی و آمریکایی، نژاد پرستی، جنگ طلبی، رشد بنیادگرایی اسلامی و وحشت از تروریسم، بی‌اعتباری و بحران روزافزون نهادهای سیاسی پارلمانی، به عنوان ابزارهای فریب و تحمیق بورژوازی، جلوه‌های دیگری از این بحران‌های سیاسی هستند.
- ۷- توأم با تشدید تضادهای نظام سرمایه‌داری و فشارهای روزافزون اقتصادی و سیاسی بورژوازی، جنبش‌های اجتماعی اعتراضی و مقدم بر همه جنبش طبقاتی کارگران، در پی یک دوره رکود و عقب‌نشینی، از اوایل قرن کنونی، مجدداً اعتلاء یافته‌اند. در طول دو سال گذشته، یک رشته اعتصابات و تظاهرات پر دامنه کارگری، در تعدادی از کشورهای اروپایی، از جمله در ایتالیا، آلمان، فرانسه، بلژیک، هلند، یونان، رخ داده است. به ویژه اعتصابات عمومی اخیر در فرانسه و بلژیک از این جهت، حائز اهمیت جدی هستند. شورش‌های جدید تھی‌دستان فرانسوی که یکی دیگر از جلوه‌های، بحران‌های اجتماعی و سیاسی حتی در کشورهای محوری جهان سرمایه‌داری است، حاکی از چشم‌انداز گسترده‌تر جنبش‌های توده‌ای است.
- ۸- رشد و گسترش جنبش جهانی علیه نئولیبرالیسم و جهانی سازی نیز گرچه یک جنبش خالص ضد سرمایه‌داری نیست و گرایش‌های رفرمیستی و لیبرال طرفداران سرمایه‌داری به اصطلاح تعدیل شده نیز در آن حضور دارند، معهذاً از آنجائی که گرایش ضد سرمایه‌داری در این جنبش قوی‌تر است، در خدمت اهداف طبقاتی کارگران قرار دارد.
- ۹- یکی از وظائف نیروهای سازمان ما در خارج از کشور، حضور در جنبش‌های اجتماعی اعتراضی علیه نظم موجود و سیاست‌های ارتجاعی بورژوازی، از جمله جنبش طبقاتی کارگران، جنبش علیه جهانی‌سازی، جنبش زنان و جنبش علیه جنگ افروزی، توسعه‌طلبی و اشغال‌گری امپریالیستی است. همچنین باید از مقاومت در برابر نئولیبرالیسم که به ویژه اکنون در کشورهای آمریکای لاتین در حال گسترش است، تا جائی که پای منافع توده‌های کارگر و زحمتکش در میان است، حمایت نمود.
- ۱۰- از آنجائی که در نتیجه اشغال نظامی عراق و رشد جنبش مقاومت علیه اشغالگران و نیز سیاست‌های قدرت‌های امپریالیست، احتمال گسترش بحران در کل منطقه خاورمیانه، وجود دارد، سازمان ما همچنین باید برای تقویت همکاری با نیروهای کمونیست منطقه در مبارزه مشترک علیه امپریالیسم، جنگ طلبی و اشغال‌گری، علیه رژیم‌های ارتجاعی منطقه و بنیادگرایان اسلامی که در نتیجه سیاست‌های قدرت‌های امپریالیست، به ویژه امپریالیسم آمریکا، تقویت شده‌اند تلاش کند.